



مروری بر یک سریال اقتباسی؛

یک روز غم انگیز

فریده صالحی

یک رمان بسیار محبوب

در سال ۲۰۰۹ بود که رمانی با نام One Day (یک روز) با قلم دیوید نیکولز منتشر شد. این رمان آنقدر محبوب شد و مورد استقبال قرار گرفت که در جشنواره کتاب بریتانیا در سال ۲۰۱۰، جایزه «کتاب کهکشانی سال» را از آن خود کرد. بعد از گذشت ۲ سال، این کتاب در قالب سینمایی اقتباس شد که آن هتوی و جیم استرجس نقش شخصیت‌های اصلی آن را ایفا کرده بودند. نسخه سینمایی، برعکس کتاب، اصلاً مورد استقبال قرار نگرفت و رضایت بالای منتقدان را به دنبال نداشت. ۱۴۵ منتقد در سایت راتن تومیتوز، رضایت ۳۶ درصدی خود را ثبت کردند و نقدهای نه‌چندان متوسطی برایش نوشتند.

بعد از گذشت تقریباً ۱۰ سال، سرویس استریم نتفلیکس دست به کار شد تا این فیلم و داستان مشهور و محبوبش را احیا کند. در سریال One Day، امبیکا مود در نقش اما مورلی و لئو وودال در نقش دکستر میهيو ظاهر شده‌اند. هم منتقدان و هم بینندگان سریالی، تا حد زیادی این سریال را مورد استقبال قرار دادند. حتی ۴۶ منتقدی که از سایت راتن تومیتوز این سریال را تماشا کردند، رضایت ۹۱ درصدی خودشان را به ثبت رساندند. به‌طور کلی آن‌ها معتقد بودند که این سریال به خوبی گذر زمان را به تصویر می‌کشد و اهمیت آن‌ها را نشان می‌دهد؛ سریالی که در عین سرگرم‌کننده بودن، غم‌انگیز است اما از ابتدا تا انتها حس رمانتیک بودن شدیدی دارد.

از سوی دیگر هم منتقد سایت تلگراف با ثبت امتیاز بالا نوشته که رمان پرفروش دیوید نیکولز به‌طرز ماهرانه‌ای به یک سریال درام قابل هضم برای عصر نتفلیکس تبدیل شده است. علاوه بر منتقدان، بینندگان هم حساسی از سریال یک روز استقبال کردند. این سریال در سراسر دنیا بینندگان خیلی زیادی داشت و حتی رقم ۹.۹ میلیون بیننده را هم به ثبت رسانده است.



است و آن هتوی هم نقش آن را در اقتباس سینمایی سال ۲۰۱۱ ایفا کرده است. بنابراین اشاره نکردن به خانواده‌ی ام در روند داستان و پیشرفت زندگی او، بی‌توجهی عجیبی به نظر می‌آید. طبق گفته‌ی خود امبیکا مود، سریال یک روز، بخش‌های بیشتری از داستان رمان را بیشتر از نسخه سینمایی پوشش می‌دهد؛ حتی شاید به گفته‌ی برخی منتقدان و بینندگان، بهتر از نسخه سینمایی هم باشد.

به مرور واضح می‌شود که صرف‌نظر از اینکه وقایع آن روز ۱۵ ژوئیه چقدر معنادار یا کاملاً فراموش‌شدنی است، خواه آن‌ها در حال بحث و جدل هستند که رابطه آن‌ها را برای همیشه تغییر می‌دهد یا ما به سادگی آن‌ها را در حال صحبت در پارک می‌بینیم، هنوز هم یک روز مهم به شمار می‌رود. هر ۱۵ جولایی که ما باز دید می‌کنیم، از روز ملاقات اما و دکس تا آن روز خاص، بخش کوچکی از داستان عشق پر پیچ و خم، زیبا، ناامیدکننده و دلخراش اما و دکس را روایت می‌کند. سریال یک روز ادای احترام به دوستی و کسانی است که به زندگی ما معنا می‌بخشند. اگر چه لحظات عاشقانه‌ای وجود دارد، اما این سریال افسانه‌ای نیست. در عوض، تجربه زنده بودن را دقیقاً برای آنچه است، با تمام جادو و اضطرابی که با آن همراه است، ارائه می‌دهد. علاوه بر این، سریال اصلاً شخصیت‌ها را شرور نمی‌کند، حتی زمانی که آن‌ها در بدترین حالت خود هستند. سن جوانی را از ساده‌لوحی‌های دیرینه رها می‌کند. زمان ثابت می‌کند که حتی بهترین‌های ما نیز قادر به انجام کارهای وحشتناک هستیم. به جای اینکه سریال دکس، ام و اطرافیان‌شان را به خاطر تزلزل شرم‌منده کند، با دقت تصمیمات آن‌ها را باز می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه آن‌ها در تمام جنبه‌های زندگیشان طنین‌انداز می‌شوند.

سریال یک روز (One Day)، مجموعه کم‌دی، درام و رمانتیک از سرویس استریم نتفلیکس است؛ سریالی که در عین زیبا و دوست‌داشتنی بودن، حساسی غم‌انگیز است. سال ۱۹۸۸ است و دکستر میهيو و اما مورلی تازه با هم آشنا شده‌اند. هر دو می‌دانند که روز بعد، پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه، باید هر کدام راه جدایی را بروند. اما پس از تنها یک روز با هم بودن، آن‌ها نمی‌توانند از فکر کردن به یکدیگر دست بردارند. با گذشت سال‌ها، دکس و ام شروع به زندگی جداگانه‌ای می‌کنند که بسیار متفاوت از افرادی است که زمانی آرزو می‌کردند به آن‌ها تبدیل شوند. با این حال، ناتوان از کنار گذاشتن چیز خاصی که در همان شب اول به آن‌ها چنگ انداخت، یک رابطه خارق‌العاده بین آن دو ایجاد می‌شود.

تجربه زنده بودن

در یک بازه‌ی بیشتر از ۲۰ سال، ما هر سال تصاویر کوتاهی از زندگی و ارتباط آن‌ها را دقیقاً در همان روز ۱۵ ژوئیه، می‌بینیم تا از حال آن‌ها خبردار شویم. دکس و ام با دعوای درگیری‌ها، امیدها و فرصت‌های از دست رفته، خنده و اشک روبه‌رو می‌شوند. همان‌طور که معنای واقعی این یک روز سرنوشت‌ساز آشکار می‌شود، آن‌ها باید با ماهیت عشق و خود زندگی کنار بیایند. «اگر چه سریال One Day به زیبایی قابلیت تماشای پشت سر هم را دارد، اما یک سری ضعف‌ها هم در آن دیده می‌شود. بینندگان مدت زمان زیادی را با دکس، مادر دوست‌داشتنی‌اش آلایسون و پدر کم‌حرفش یعنی استیفن می‌گذرانند.

با این حال هیچ تصویری از خانواده‌ی وجود ندارد و به ندرت اشاره‌ای به آن‌ها می‌شود. انتخاب بازیگر زن هندی تبار برای نقش اصلی به وضوح یک انتخاب عمدی بود زیرا این شخصیت در رمان سفید پوست